

آموزش دریایی دیجیتال می‌شود



روش‌های آموزشی دیجیتال بسا مجموعه‌ای از کشتی‌های مجازی، به دریانوردان اجازه می‌دهد بدون اینکه حتی با روی کشتی بگذارند، با یادگیری تغییرات سریع فناوری، به شایستگی عملیات واقعی دریانوردی دست یابند.

به گزارش اقتصادسرآمد از پورت تکنولوژی؛ مؤسسه طبقه‌بندی ABS برای خرید پلتفرم آموزشی و شبیه‌سازی با عنوان MetaSHIP اقدام کرده است. این اقدام، گام بزرگی به سوی یادگیری دیجیتال فراگیر است، زیرا صنعت دریانوردی به دنبال پُر کردن شکاف مهارتی ایجاد شده توسط تغییرات سریع فناوری است.

بر اساس گزارش مانا، سیستم MetaSHIP با مجموعه‌ای از کشتی‌های مجازی به دریانوردان اجازه می‌دهد بدون اینکه حتی با روی کشتی بگذارند، شایستگی عملیاتی واقعی را کسب کنند.

ABS قصد دارد این فناوری را در شبکه مراکز آموزشی خود در قطر، یونان و سنگاپور و همچنین از طریق برنامه‌های از راه دور و حضوری گسترش دهد.

کریستوفر ویرنیکس، مدیرعامل ABS اظهار داشت: «این یک الزام استراتژیک برای ایمنی و انعطاف‌پذیری ناوگان است. نیروی کار دریایی باید برای مدیریت سیستم‌های ترکیبی، استانداردهای ایمنی در حال تحول و مقررات در حال تغییر آماده باشد. سرمایه‌گذاری در آموزش پیشرفته که شایستگی واقعی را به جای حداقل استانداردهارائه می‌دهد، اجباری است.»

لونت سنن، بنیانگذار MetaSHIP، نیز گفت: «این پروژه به عنوان تلاشی برای دسترسی بیشتر به آموزش دریایی آغاز شد. اینکه ایسن پروژه به فناوری تبدیل شده است که هم‌اکنون توسط ABS به دریانوردان در سراسر جهان قدرت می‌بخشد، ارزشمند است.»

MetaSHIP شبیه‌سازی‌های تعاملی کشتی و بندر را با ابزارهای ارزیابی که عملکرد را نظارت و ارزیابی می‌کنند، ترکیب می‌کند. این روش دیجیتالی شامل پلتفرمی است که پیشرفت و گزارش‌دهی آموزش را پیگیری می‌کند و تحت نسام ODENES همراه با یک مازول ارزیابی مهارت ناوبری و رفتاری است که برای اندازه‌گیری و بهبود عملکرد عملیاتی استفاده می‌شود.

بر اساس این گزارش، این شیوه آموزشی که شامل مالکیت معنوی MetaSHIP، دارایی‌های شبیه‌ساز مرتبط است، منوط به تأیید نظارتی در ترکیه است. در پایان این گزارش آمده است، این اقدام بخشی از گسترش راهکارهای آموزشی ABS خواهد بود که به این مؤسسه پایگاه و وسیع‌تری برای ارائه آموزش دریانوردان نسل بعدی در سراسر جهان می‌دهد.



**سنگ‌گروه راهبردی- ایرج گلشنی** – سیمیناری به میزبانی دانشگاه امیرکبیر برگزار شد تحت عنوان «بررسی پیش‌نویس سند جامع توسعه دریایی کشور» که حواشی متعدد، بحث‌ها و چالش‌های فراوانی به همراه داشت، بررسی این سمینار و محتوای سند یا بهتر بگویم: «شبه‌سند» ارائه‌شده، می‌تواند مفصل و هفتادمن کاغذ باشد؛ اما بنابه دلایل متعدد نمی‌توان به همه ابعاد آن پرداخت، ولی مواردی واقعا مهم است و نمی‌توان از آن چشم پوشید. به چند مورد اشاره می‌شود.

**اول: دانشگاه‌هرمزگان**

به گزارش اقتصاد سرآمد، دانشگاه هرمزگان مرجعی است که طرحی برای توسعه دریایی نوشته و دانسته یا ندانسته نام سند بر آن نهاده است. این دانشگاه از چندمنظر مطرح شده که لازم می‌دانم به آن بپردازم:

برخی حاضران که قرار بود شبه‌سند پیشنهادی را نقد کنند، بر این مسلک بودند که دانشگاه هرمزگان این سند را نوشته و چون یک دانشگاه «شهرستانی» است، باید به آن بها داده شود! زیرا توجه به دانشگاه‌های شهرستانی مهم است! این یکی از ضعیف‌ترین و خفیف‌ترین دیدگاه‌هایی است که می‌توانست در جمع سمینار مطرح شود که باعث تعجب و افسوس است، زیرا:

دانشگاه هرمزگان، مانند هر دانشگاه دیگری، عزت و بزرگی خود را از نخبگانی می‌گیرد که به عنوان استاد در آن دانشگاه فعالیت دانشی دارند. هیچ دانشگاه‌هی عزت و قدرت علمی خود را از جغرافیا گرفته است که دانشگاه هرمزگان دومی آن باشد. این دانشگاه هم مانند همه دانشگاه‌های ایران-به‌ویژه دانشگاه‌های پایتخت- از دانشمندان و نخبگانی برخوردار است که می‌توانند منشاء بسیاری از تحولات فکری و علمی به‌خصوص در عرصه دریا باشند و حتی به باور این قلم، بسیار قوی‌تر از دانشگاه‌های خشکی نشینی هستند که از هزار کیلومتر دورتر، درباره دریا حرف می‌زنند. استادان دانشگاه هرمزگان مانند دیگر دانشکده‌هایی که هم‌جوار دریا هستند، مستقیم دست بر آتش دارند و به‌طور علمی و کاربردی هم می‌آموزند و هم می‌آموزانند. بنابراین اینکه انگ شهرستانی به یک دانشگاه بزنند و به نوعی با اشک تمساح، بخواهند نتیجه کار آن را بررسی نکنند، مضحک به نظر می‌رسد.

نکته دیگر این است که «علم و هنر و ادب در هر شکل و شمایل قابل نقد است» و ربطی به نویسند یا اینکه در کجای تاریخ یا جغرافیاست، ندارد. بنابراین، استادان ارجمند دانشگاه هرمزگان هم باید پذیرند که اثرشان مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت و از نقد هراسی نداشته باشند که همین‌گونه هم بود. اگر چنین نبود، استادان این دانشگاه‌انگیزه‌ای برای طرح موضوع در دل دانشگاه امیرکبیر و با حضور جمعی از نخبگان دریایی کشور نداشتند.

قصه آن است که شاه می‌بخشد و شساقلی نمی‌بخشد! یعنی

استادان دانشگاه هرمزگان خود می‌خواهند مورد نقد و بررسی قرار بگیرند و هم شهامت این را داشتند و هم توان پذیرش،

اما این طرف، کسانی بودند که گناه بی‌سواد ی خود یا جرم کارمندی خود را به گردن شهرستانی بودن دانشگاه هرمزگان انداخته و از نقد اثر طفره می‌رفتند. ایسن به دلیل ضعف آن‌ها در فهم مسئله و نقد مسئله بود که چیز دیگری را بهانه و سپر قرار دادند.

اداری و کارمندی همه ترجیح دادند سکوت کنند! در این‌باره کمی بیشتر سخن خواهیم گفت.

**ایرادات فنی-علمی شبه‌سند**

فارغ از اینکه این سند دو گانه است و با وجود سند اصلی و بالادستی، تدوین سند یا اسناد دیگر هیچ معنایی ندارد مگر اینکه نام آن‌ها به طرح، پژوهش، برنامه یا... عوض شود. این نوشتار موسوم به سند، ایرادات فنی و علمی متعدد و جدی دارد که آن را به عنوان یک سند علمی از حیزانتفاع ساقط می‌کند. تعدادی از این ایرادات در پتل‌ها مطرح شد و به‌طور کلی، همه پتل‌ها و همه حاضران بر این اصل استوار بودند که این شبه‌سند ارزش و اعتبار علمی ندارد.

این شبه‌سند از دو فرایند شکلی و محتوایی دارای ایرادهای سنگین بود. نه‌شکل و روند ساختاری یک سندرعايت شده بود که از اولیات و بدیهیات سندنویسی است. و نه از نظر محتوا به روش علمی متکی بود. برای نمونه، ترتیب چشم‌انداز، هدف، راهبرد، سیاست و... رعایت نشده بود. در جایی با حیرت هرچه تمام‌تر ملاحظه شد که عبارت «راهبردها و اقدامات» در سرفصل این نوشتار موسوم به سند بود که نهایت اشکال است، زیرا «راهبرد» هرگز با «اقدام» ترکیب نمی‌شود. یا به عنوان مثال دیگر: در مواردی ذیل سرفصل اهداف، مفادی نگاشته شده بود که ادبیات سیاست اجرایی داشت. در جایی ذیل راهبردها نکاتی نگاشته شده بود که جنس اقدام اجرایی را داشت و... این‌ها نشان می‌داد که این نوشتار موسوم به سند از نظر گاه هیچ نخبه مدیریت و مسلط به سندنویسی نگذاشته و در نهایت آن را بی‌مایه کرده است.

از نظر محتوایی قائل هستیم که یک روش تحقیق مشخص علمی، رعایت شده باشد. موارد براساس اصول علمی محاسبه و آورده شده باشند، نه ذوقی و سلیقه‌ای. این عیب جدی در سراسر نوشتار کاملاً مشهود بود. برای نمونه، براساس آنچه که خانم دکتر صدیقی گفت: «پیشینه این پژوهش یا هرچه می‌توان بر آن نام نهاد، وجود ندارد.» این یک نقص جدی است و نیز در مواردی اشاره به اعداد و ارقامی شده بود که مثلاً در فلان سال باید به فلان عدد رسید که منشاء و مبدا این عدد -اینکه از کجا آمده و با چه روشی محاسبه شده- معلوم نبود و مشخص شد که اعداد و ارقام به جای استفاده از ریاضی کاربردی یا

**شورای عالی انقلاب فرهنگی**

در جست‌وجوی ماجرا، متوجه می‌شویم که این کار پژوهشی به نوعی به دستور دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی شروع و انجام شده است که این مسئله هم باعث حیرت اهالی شد. باورکردنی نیست که دبیر شورای عالی با آن همه طمطراق، متوجه نباشد که سند عالی دریایی ابلاغ شده است و بخواهد که سند دیگری در کنار آن تدوین شود. انبوهی از هر زینه ریالی و زمانی صرف مکتوبی شده است که اصلا و اساساً نیازی به آن نیست و حتی وجود آن به عنوان یک مانع چالشی، سر حرف را باز می‌کند و جلوی دست را می‌گیرد.

**عذری بدتر از گناه!**

نماینده دانشگاه هرمزگان در پتل بنادر و دریانوردی گفت: با سفر دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به هرمزگان، این بحث مطرح شد و آقای خسروبناه گفته‌اند که چنین طرحی خوب است و همین باعث شده که دانشگاه به آن ورود کند! ضمن اینکه دانشگاه این کار را پروژه‌ای نپذیرفته، بلکه به صورت دلی و علاقه و انگیزه خود انجام داده است. این دفاعیه همان عذر بدتر از گناه است، زیرا دو اشکال عمده دارد:

یکی اینکه شروع یک چیزی به عنوان «سند ملی» نمی‌تواند آنقدر بی‌ریشه باشد که فقط براساس یک اظهارنظر دفعی از یک مسئول رده دوم و سسومی، یک‌باره کلید بخورد. قارچ که نیست! اگر در پیشینه ذکر می‌شد که این سند(بخوانید شبه‌سند) طی فلان فرایند علمی-پژوهشی و فلان نیازسنجی تبیین شده و شکل یافته است، از یک دانشگاه پذیرفتنی بود؛ اما وقتی دانشگاه هم مانند ادارات دیگر و استادان ارجمند ما نیز مثل کارمندهای سربرجی فکر و عمل کنند، پس دیگر امیدی به فردا باقی نمی‌ماند.

دوم اینکه یک دانشگاه در هر سطحی باید حرف‌های عمل کند. حرف‌های عمل کردن دو معنا دارد: اول باید یک موضوع را با سنجش و روش‌های علمی پذیرفت و اجرا کرد و دیگر اینکه به قواعد حرف‌های عمل کرد و برای اجرای آن کار یک قرارداد دقیق هم داشت. اینکه دانشگاه هرمزگان از هر دو جهت منفعل بوده، جای تأسف است.

نکته جالبی از دل ایسن ماجرا بیرون می‌زند که خوب است بگویم تا نماینده محترم دانشگاه هرمزگان دست از منت‌گذاری بردارد؛ اینکه این کار را پروژه نکرده‌اید و پولی مستقیم در قبال آن دریافت نکرده‌اید، به آن معنا نیست که دستان توی جیب مردم نبوده است. چه قرارداد می‌بستید و پولی از شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گرفتید و چه قراردادی نیستید و به قول خودتان دلی عمل کرده‌اید، در هر دو صورت، دست شما توی جیب مردم است؛ زیرا شما و دیگر کسانی که روی این موضوع کار کرده‌اند، بی‌تردید حقوق و حسق ماموریت‌های خود را دریافت کرده‌اند. حالا این دریافتی چه از سنوی شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد و چه از سوی دانشگاه هرمزگان، هر دو برداشت مستقیم از مالیات و بودجه دولتی و جیب مردم است. بنابراین، اینکه شما پروژه‌ای عمل کردید و پولی از شورای عالی گرفته یا نگرفته‌اید، هرگز منتی بر دیگران یا حسنیتی برای کار شما نیست. این موضوع نیز هیچ منعی برای یک نقد منصفانه و علمی هم نیست.

به هر روی، دانشگاه هرمزگان از نظر ما دانشگاهی محکم و استخوان‌دار است و استادان آن دانشگاه، هیچ کاستی‌ای از هیچ دانشگاهی در ایران ندارند و کمالینکه در مواردی یک سر و گردن هم بالاتر هستند و هر پروژه علمی آن‌ها همانند دیگر پروژه‌ها از سوی هر دانشگاه دیگر «با منطع علم و استدلال» قابل نقد منصفانه است. قبول؟

در این گیرودار که دوست جدا و بیگانه جدا می‌شکند، این بار حیرت و تعجب از شورای عالی انقلاب فرهنگی را کجا باید برد. اغلب شرکت‌کنندگان در سمینار با این سوال افسوس می‌خوردند که «مگر شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌دانست سند بالادستی وجود دارد و ابلاغ شده است؟ پس چرا زمینه صرف هزینه و زمان جمعی از نخبگان کشور را برای این کار تکراری و موازی حرام کرده است؟». این سوال بی‌پاسخ است. هر چند که معاون عبدالعلی‌زاده در آخرین دقیق سمینار تلاش کرد این مسئله را سرپوش بگذارد و آن را توجیه کند، اما نتوانست و کسی از حاضران اغناع نشد، ولی حسب قوانین

**جستاری در زشت و زیبای یک شبه‌سند دریایی، «سرآمد» بررسی می‌کند**

# «سند» پشت «سند دریای هیچ!

**در سمینار بررسی پیش‌نویس سند جامع توسعه دریایی کشور چه گذشت؟**

اوج این نقد جانبدارانه زمانی بود که معاون عبدالعلی‌زاده به جمع‌بندی نهایی! نتایج حاصله از همه پتل‌ها پرداخت. با نهایت حیرت که با سکوت همراه با لبخند حاضران بود، بعد از گزارش پتل‌های تخصصی چهارگانه، وی به جای جمع‌بندی شروع کرد اول از شورای عالی انقلاب فرهنگی دفاع کردن مینی بر اینکه چون این شورا چنین است و چنان، پس می‌تواند دستور بدهد که سند بنویسند! و نتوانست بگوید: وقتی سند داریم، دستور سند جدید و موازی به چه معناست. حاضران هم به‌مثابه «نگاه عاقل اندر سفیه» نشستند و نگر یستند و چای خوردند و رفتند! ولی هنگام خداحافظی با همدیگر، یواشکی لبخندشان را به نیشخند تبدیل کردند و با تیکه‌های برآمده از ادبیات ناکب حکیم ذاکانی، پیام وارسته خود را رساندند.

نقد مغرضانه: انصاف این است که بنویسم «نقد مغرضانه» ندیدم و نشنیدم.

نقد منصفانه: در نقد منصفانه، نقدی که توام با دلیل و استدلال علمی و عقلی بود؛ به وفور از کارشناسان و نخبگان آزادمنش شنیده شد. یک دلیل بزرگ برای صحت این نقدها این است که تقریباً بیش از ۹۵درصد نتایج پتل‌های تخصصی چهارگانه که مستقل از یکدیگر برگزار شدند، به یک سری نتایج مشابه به هم رسیدند که خالص آن نظر‌ها این بود که «گذشته از ایرادهای متعدد ساختاری و محتوایی، این سند دوم نیاز نیست و نباید به عنوان سند مطرح شود.» در جمع‌بندی، با همان ترجمه اداری که بیشتر شبیه «عارفات فجری» و به‌زعم استاد زرین‌کوب، «ان‌به هم قرض دادن است» این نتیجه روشن و قطعی، به زبان دیگری بیان شد و «ماست‌مالی» لازم صورت گرفت؛ به زبان با آوردن شواهد و قرائن و بیان زشت و زیبای آنچه دید و شنید، خیال می‌کند که نقد منصفانه‌ای بر این ماجرای «علمی-اداری» نوشته است. البته کمی با ما به طنز. چرا؟ چون ادبیات طنز هم اثر بیشتری دارد و هم فریاد بلندتری است تا بگوید: سند پشت سند و شام و ناهار هیچ! اسناد آنقدر زیادند که باید با فرغون این طرف و آن طرف برد؛ اما دریسغ از یک جو عمل. ما نیاز به سندسازی جدید نداریم. نیاز به یک جو همت داریم که یک بند از سند اصلی را اجرایی کند؛ باقی پیشکش.

**نتیجه سمینار بررسی سند توسعه دریایی ایران:** نتیجه را یکسک کلمه می‌توانم خلاصه کنم: «هیچ». یک جمع



همیشگی اداری دورهمی‌ای برگزار کردند و چای نوشیدند و کباب زدند به بدن و حقوق آن روزشان را گرفتند و رفتند. اینکه چرا برای این موضوع سمینار برگزار کرده‌اند را نفهمیدم. اینکه چرا این نوشتار را در اختیار چهار پنج‌استاد خبره از رشه‌های مرتبط- به‌خصوص مدیریت استراتژیک- قرار نداده‌اند تا نقد علمی صورت بگیرد، را هم نفهمیدم. اینکه با این گردهمایی عمومی که اغلب به دلیل منطقی اداری، قصادر به بیان صریح دیدگاه خود نیستند، بخواهند یک سند یا شبه‌سند را بررسی دقیق کنند، را هم نفهمیدم!

آینده این سند یا شبه‌سند چه می‌شود؟ باز هم من نفهمیدم چه می‌شود یا قرار است چه شود. در جمع‌بندی که باید ترکیبی از نقطه‌نظرات پتل‌ها و بیان نتیجه نهایی و آینده‌نگری در کار باشد، چیزی شنیده نشد جز اینکه طرف به دلیل جایگاه سازمانی که دارد و با این منطق که باید صندلسی‌اش را حفظ کند که به سرنوشت مدیرکل اردبیلی دچار نشود، مجبور است به جای منطق علمی، ماله اداری دست بگیرد. اگر بخش خصوصی بود و نان کسبی در گاه تاایید اجباری این و آن نبود، بدون تردید، این شبه‌سند مخومه اعلام می‌شد و پدیدآورندگان آن مورد نکوهش هم قرار می‌گرفتند. زیرا هرزبه ریال و زمان و اعتبار برای بخش خصوصی مهم است، اما امان از زمانی که میزبانی با جیب مهمان باشد!

**رسانه در اختیار دانشگاه هرمزگان**

ما در روزنامه دریایی اقتصادسرآمد مسئله را پایان یافته نمی‌دانیم. خوب است که تضارب اندیشه بیشتری صورت بگیرد. اینکه می‌گویند دانشگاه هرمزگان این کار را به صورت افتخاری و با هزینه شخصی استادان خود انجام داده است، باورش سخت است؛ اما غیرممکن نیست. به هر روی، اگر قصد دانشگاه هرمزگان از برگزاری سمینار، آن‌گونه که دکتر ظهیری می‌گوید: «هم‌اندیشی و دریافت پیشنهادت» بوده است، این نکته می‌تواند با استفاده از رسانه‌های دریایی کشور، ادامه یابد. در این رابطه، روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد هم به‌طور افتخاری خود را در اختیار دانشگاه هرمزگان قرار می‌دهد تا بدین وسیله با اهالی دریا و نخبگان مرتبط با سند، گفت‌وگو و تضارب اندیشه داشته باشد. چیزی که همه ما می‌خواهیم، «توسعه دریایی ایران» است. حال هر کدام به روشی و با لحنی آن را مطالبه می‌کنیم. نقد به معنای رویارویی نیست، بلکه به معنای تلاش مضاعف برای شدن است. دریایی‌شدن، آمال و آرزوی همه ماست.